

بیا عروسکی

● سید علی کاشفی خوانساری

طبیعتاً باعث انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان می‌گردند، دارا باشند». ماده ۱۴ این قانون حتی محدودیتهایی برای نشریات بزرگسالان که در دسترس کودکان قرار دارند قائل شده است: «نشریاتی از هر نوع، که به دلیل خصوصیت غیر اخلاقی یا مستهجن آنها، یا به سبب بزرگنمایی مطالب مربوط به جنایت یا خشونت، تبعیض یا نفرت نژادی، ترغیب به استفاده، نگهداری یا قاچاق مواد، برای جوانان خطر آفرینند، نباید به صورت عمومی توزیع شوند و به افراد زیر ۱۸ سال فروخته شوند». وزیر کشور ملزم به نظارت بر اجرای دقیق این قانون است. در کشور آسیایی هند نیز قانونی به نام «قانون نشریات مضر برای افراد جوان» وجود دارد که مطابق آن «نشریه مضر، به معنای هر نوع کتاب، مجله، نوشتار، ورقه، روزنامه یا نشریه مشابه دیگر است که به کمک تصویری بدون آن یا تنها با تصویر، داستانهایی را به طور کامل یا حاوی قسمتهای عمدتاً از موارد: ارتکاب اعمال ضد اخلاقی، ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز یا آزار دهنده، حوادث شمشزکننده یا وحشت‌انگیز، آرایه می‌کند، به نحوی که نشریه در مجموع باعث گمراهی و انحراف فرد جوان، چه به صورت تقلید و چه به صورت تشویق برای ارتکاب به اعمال ضد اخلاقی یا خشونت‌آمیز یا آزار دهنده و یا هر نوع اعمال مشابه می‌شود.» و برای این نشریات و فروشندگان آن محدودیتهایی قائل شد. در ضوابط چاپ و نشر کتابهای کودکان و نوجوانان ایران نیز که علی‌القاعده باید شاهد اجرای آن باشیم در بخش اول «هدف و پیام کتاب» از جمله کتابهایی که «بناش آن موافقت نخواهد شد» آمده است: «اصطلاحات و لغات مستهجن و سبک - به هر انگیزه و از جمله به بهانه تعلیم و ترویج فرهنگ بومی و یا تبعیت از اصل واقعیت‌گرایی در داستان - در نوشته به کار رود.» داستان دریا، پری، کاکل زری داستانی در مخالفت با چهارچوبهای محدود کننده سنتی برای دختران است که آنها را از ارتباط با جنس مخالف منع می‌کند، اما «پری» نمی‌خواهد محدود و تسلیم باشد و آرزوی آزادی دارد. او تا می‌تواند از محیط خانهاش بد می‌گوید و معتقد است اگر در آن محیط بسته بماند خواهد گندید. به همین خاطر تصمیم به تغییر می‌گیرد: «پشم برم به بندر به کافه غضنفر، به سینما، عروسی / کلاس رقص، خصوصی» او پندهای دیگران را نمی‌پذیرد: «پند شما آبکیه / مستحق شیشکيه / بخوابن نخوابن میرم، میرم / اینجا بمونم می‌میرم» به همین خاطر «یک روز دیگه کلافه / به عشق رقص و کافه / لباس پوشید مثل باد / هول هولکی راه افتاد» او ابتنا در خشکی حیران و سرگردان است تا اینکه با یک پسر برخورد می‌کند: «یک دستی خورد به شونطاش / تلنگری به گونطاش / دید به پسر راس راسی / ... / با چشم هاج و واجش / خیرمشده به تاجش». پسر که برخلاف



- نام کتاب: دریا، پری، کاکل زری
- شاعر و نقاش: کلی ترقی
- ناشر: نشر و پژوهش فرزبان روز
- چاپ اول: ۱۳۷۸
- شمارهگان: ۳۳۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۹۲ صفحه
- بها: ۴۵۰ تومان

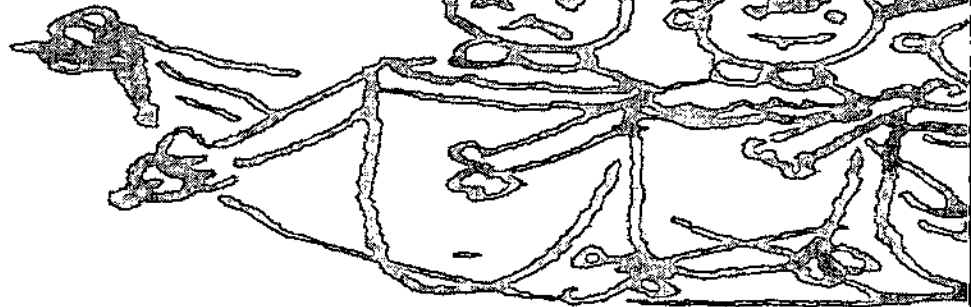
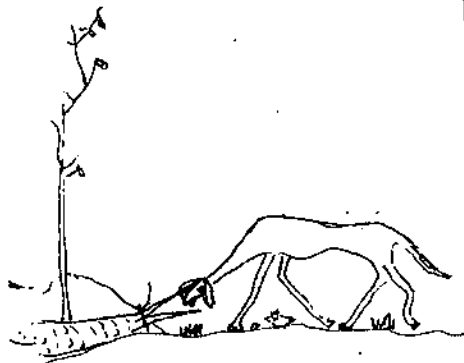
به تازگی قصه منظومی از خانم کلی برای کودکان منتشر شده است که نکات توجه برانگیزی در آن به چشم می‌خورد. این قصه منظوم که بالحن قصه‌های عامیانه و متلها تنظیم شده مثل هر اثر دیگری از نقاط ضعف و قوت نسبی برخوردار است و مخصوصاً لغزش‌های زبانی آن جای بررسی دارد. با این همه هدف این نوشته پرداختن به این جنبه‌ها نیست. نکاتی که طرح خواهد شد، تنها درباره محتوا، درونمایه و پیام این کتاب است و لذا نقد ادبی نیست.

آنچه در پی می‌آید تنها دغدغه‌ها و نگرانی‌های یک خواننده معمولی کتاب است که خود را دوستدار کودکان این مرزوبوم می‌داند. قهرمان داستان یک پری دریایی است. این دختر که از نظر جنسی ترکیبی از انسان و ماهی است، شخصیتی کاملاً انسانی دارد. او از یکتوختی زندگی در دریا خسته شده است و برای بهره بردن از لذتهای زندگی خاکی از دریا بیرون می‌آید و با پسر نوجوانی دوست می‌شود. پسر از او سوء استفاده می‌کند و پری غمگین و افسرده به دریا باز می‌گردد. پس از چندی پری غمهایش را فراموش می‌کند و از تجربه‌های شیرینی که داشته با افتخار یاد می‌کند و آن را نشانه‌ای از رشد و کمال خود می‌داند. محتوا و مضمون این داستان در دو شاخه قابل بررسی است: ۱- مسائل جنسی، اخلاقی، تربیتی ۲- رویکرد منفی به دین

۱- مسائل جنسی و تربیتی

در مورد پرداختن به مسائل جنسی و تشریح دقیق و پرده‌داری نفسانیات انسانی در حوزه ادبیات بحثهای فراوانی جریان دارد. رویکرد غالب افکار عمومی و حاکمیت کشور تاکنون مخالف چنین مسائلی بوده است و از سوی دیگر برخی از اهل قلم آن را جزء ضروری ادبیات و لازمه قوت یک اثر ادبی دانسته‌اند و مخالف هرگونه نظارت، حذف و سانسور در این حوزه هستند. باین همه آنچه کلیه صاحب‌نظران از طیف‌های گوناگون جامعه اعم از قانون‌گذار، والدین، هنرمندان، دانشگاهیان و ... خواه مذهبی و خواه غیر مذهبی در آن اشتراک نظر دارند، لزوم اجتناب از طرح مسائل جنسی برای کودکان و ضرورت رعایت موازین اخلاقی و تربیتی برای ایشان است این مورد حتی در آزادترین کشورها هم قانونی، پذیرفته و مقبول است برای مثال طبق ماده ۴ قانون سال ۱۹۴۹ فرانسه «نشریات ویژه کودکان و نوجوانان، نباید هیچ‌گونه تصویر، داستان، گزارش‌ستون مخصوص و مطلبی، معرف هواداری از تپه‌کاری، دروغ، دزدی، تنبی، لایابگیری، نفرت، بی‌بند و باری، یا تمام اعمالی که جرم و جنایت محسوب می‌شوند و یا به نحوی باعث انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان می‌گردند... در برداشته باشند همچنین نباید هیچ‌گونه آگهی یا اعلان تجاری را درباره نشریاتی که

ایرج میرزا با همه قبیح نگاری
و دین ستیزی،
با کودکان جز از ادب و اخلاق
و نظم و احترام
سخن نمی گفت.



داستان در مخالفت با چهار چوبهای سنتی که دختران را از رابطه جنسی منع می کند نگاشته شده است.

سرش فکل / دس به کمر با اختاپوس / رقص می کرد مثل
عروس / نهنگ پیر با ساکسیفون / جاز می خوند تو میکروفون /
... چشم حسود بتر که کور کور / در پایان نویسنده پند اخلاقی
خود را اعلام می کند. و خطاب به پری می گوید: «خانوم
پری مرمی / از عشق کاکل زری / نشسته روی اوچی / ... /
بین کجا رسیدی / خوب و بد و چشیدی / صاحب دنیا شدی /
خودت یه دریا شدی» و داستان به پایان می رسد.

فکر می کنم توضیح بیشتری نیاز نباشد تا قبول کنیم که
این داستان به تشریح موشکافانه رابطه جنسی یک دختر و پسر
می پردازد. از آن دفاع می کند. مزاحمان آنها را تقیح می کند.
حضور در مکانهایی مثل کافه کلاس رقص خصوصی، مجالس
مهمانی رقص و بایکوبی را تشویق می کند. دخترانی را که تجربه
جنسی ندارند تحقیر می کند. خطرات رابطه نامشروع را ناچیز
و بی ارزش جلوه می دهد. پدران و مادران را به ایجاد زمینه تجربه
جنسی برای کودکان و سرزنش نکردن آنان تشویق می کند و
چنین تجربههایی را سبب رشد و کمال آنان معرفی می کند. به
موارد مذکور می توان دل بستگی نویسنده به کلمات زشت و مشتمز
کننده را نیز افزود: «تو اون همه شاش و تف و گرد و غبار» «رو
و آشغال و تاپاله» «عجیب خربان» «چه بوی خوبشگی...
من خرچرون لاتم... با الاغ گوش... یه دختر ولنکار...
توسرخنگ خرم...» «یه دختر حسابی خل» «آهای پری، مگه
خری» و... توجه داشته باشیم که شکل و شمایل شیوه نگارش
و تصاویر کتاب نشان می دهد که با یک کتاب کودکان ونه
نوجوانان روبرویم.

۲- رویکرد منفی به دین

در ضوابط چاپ و نشر کتابهای کودکان و نوجوانان مصوب
شورای عالی انقلاب فرهنگی، در همان بخش «هدف و پیام
کتاب» در فهرست کتابهای ممنوع انتشار می خوانیم: «اساس
دین و اصول و احکام آن نفی شده باشد یا آنکه با ایجاد تطابق و
تشابه بین شخصیتهای منفی یا مذهبی ها قصد القای چنین
مضامینی وجود داشته باشد.» و در بخش ۲ در مورد
«شخصیت های کتاب» آمده است: «طرح شخصیت های
منفی (چه در داستانهای واقعی و چه در افسانه ها و
داستان های تمثیلی- رمزی) به شکلی که منجر به ایجاد
تطابق هایی در مورد آنها با شخصیت هایی گردد که مظهر اسلام
شناخته می شوند مجاز نخواهد بود.» به طور کلی داستان خانم
ترقی را می توان نه تنها داستانی غیردینی بلکه ضد دین نام
گذاشت. داستان با عبارت معروف «یکی بود، یکی نبود» آغاز
می شود. اما از «غیر از خدا هیچکس نبود» خبری نیست. کلیه
شخصیت های منفی داستان افرادی مذهبی معرفی می شوند
و کلیه رفتارهای بد ایشان به مذهب نسبت داده می شود.

بود / ... / خرچگی پشمالو / خنگ و بی ریخت و هالو / دیدی چه
طور ولم کرد؟ / لگد زد و لهم کرد» اما هر چه بود «یاد تن
تمیزش» از خاطر پری نمی رفت. برای پری چندان مهم نبود
که «دمب طلاش دریده» شده بود و به مرور «درد دلش خود به
خود / یه ذره شدیه نخود» و دوباره شروع به کارهای قبل از
جمله «چش چرونی تو سرسرا» نمود. او خیال کاکل زری را پیش
خود تصور کرد که هنوز «روی لباس یه بوسه» دارد و هنوز
«مزمه نفسهاش» به گوش می رسد. با تصور دوباره کاکل
زری «یه حس کیف آور / ... / توید تو قلب و خوونش / تا انتهای
خوونش» به همین خاطر از اتفاقات پیش آمده احساس خرسندی
می کند: «گفت ای خدا کور بودم / از همه کس دور بودم / ... / تو
لاک خود گرفتار / ... / ای خبر از دیگری / ... / نه کسی ازم خبر
داشت / تخم خود و شکستم / یه باره بیرون جستم» سپس به
خاطر این تجربه افتخار آمیز جشن شادی برپا می کند و از دوستان
خود من جمله «اختاپوس عشرتی / همیشه باخت و پتی» دعوت
می کند. در این مهمانی «شاپریا قر می دادن / موها شون و
قر می دادن / ... / پشتک و وارومی زدن / ... / چشاش خمار،



کلیه صاحب نظران

بر لزوم اجتناب از طرح بی پرده
مسائل جنسی برای کودکان
اتفاق نظر دارند.

عاشقان قصه های شرقی حوصله بچه بازی و سوز و گداز و
فراقهای طولانی را ندارد، خیلی زود به سراغ اصل مطلب می رود:
«تو آدمی یا ماهی؟ / نجیب و سر به راهی؟» او خیلی عجله دارد:
«اسمت چیه سیلطه؟ / ای چادر و شلیته» و چند دقیقه بعد بدون
تعارف و خجالت می گوید: «بشین یه کم رو زانوم / دوشیزای
یا خانوم؟» پری هم از این پر خورد بسیار مشغوف است: «خانوم
پسری با عشوه / باصد هزار کرشمه» شروع به تعریف از پسر و
دلبری می کند: «چه نکته مان و فاضلین / چه با شعور و عاقلین /
... / دهان مثل غنچه ای / چه گونمای، چه چالکی / زگیل و
خال و سالکی / عجب سری / نگاه گرم محشری» بعد از این
دو عاشق سینه چاک به گشت و گذار و تفریح می روند و «تمام
روز به خنده / مثل دو تاپرنده / قائم موشک تو بیشه / پنهون
شدن یه گوشه / ... / بدنش یه جرت عالی / هر دو حالی به حالی
... / یه ترس ناگهانی / یه بهمت گنگ آنی / یه دلهره بی نشون
/ رفت تو جون هر دوشون / ... / یه ویشگون سفت و ریز / ... / اما
دوباره خواهش / یه عالمه نوازش / پشت حموم کاشی / یه ماچ
دادن یواش» بعد هم پری و کاکل زری تا صبح کنار هم می مانند
و صبحانه را هم کنار هم میل می کنند. اما «تا بخت بد همون
وقت / یه پیر مرد سرسخت / دید یه پری بی حیا / ابرو کمون
چشم سیال نشسته / با نازوقر / با خنده و هر و کر / تنگ دل
زلفعلی» داد و هوار پیر مرد باعث می شود که «دو عاشق بی گناه
/ کنار هم مثل ماه / پریدن از جایشون / لرزه به اندامشون /
زلفعلی رنگش سفید / دلش تو سینه تپید / پری رو گرفت تو بنل
/ دوید به سوی جنگل» این دو عاشق بی گناه، مرارت فراوانی
می کشند تا از جنگ مردم فرار کنند. وقتی دوباره خلوت حاصل
شد پری می گوید: «می خواهم پیام زنت شم / ... / شب بخوابم
کنارت» و شروع به ناله و دلبریهای عاشقانه می کند. اما کاکل
زری دیگر تمایلی به او ندارد و پری را از خود می راند. اصرارهای
بعدی پری و جلوه فروشی هایش هم بی نتیجه است: «تم بلور
چینه / چشمام دو تا نگینه / ... / داشتن من یه حسنه / بنار من
ولای نون / بخور من و نوش جون» پری بیمار می شود و چهل
روز در تب می سوزد. در همین حال دریا به داد پری می رسد. او
اعتقاد دارد که دخترش آنچه باید می آموخته آموخته و دیگر باید
به خانه برگردد. او به ماهیها تاکید می کند که کسی نباید پری
را شامات و سرزنش کند. «پری پدر سوخته / در ساش و آموخته
/ وقتش دیگر رسید / خوبو بد و چشیده / ... / پاشین برین
مثل باد / بنون داد و فریاد / دخترم و بیارین» لذا «صد تا پری با
دسته گل / ساز و دهل / دیمیل و دیمیل / با مرهم و زخم و خوا /
رقص کنون، دس به دعا» به استقبال پری می روند. ابتدا پری
از کاری که کرده پشیمان می شود اما زود تغییر عقیده می دهد:
«گفت ای خدا خرسدم / حسابی مترشدم / کاکل زری کلک

کاکل زری همان پسری که با دختر رابطه جنسی برقرار می کند و بعد او را رها می کند «زلفعلی ذوالفقار» نام دارد که اشاراتی صریح به نام حضرت امیرالمؤمنین است: «گفت پسرک باخنده / اسم شریف بنده / زلفعلی خان ذوالفقار / مال دهات شهسوار» و یا در جای دیگری نویسنده به همین نام او را معرفی می کند: «اما علی ذوالفقار / بچه صحرا و مار» جالب است آنجا که پسر و دختر معاشره می کنند و از نظر نویسنده پسر چهره ای مثبت دارد، او کاکل زری نامیده می شود اما آنجا که قصد بی وفایی و ترک پری را دارد از او به عنوان «علی ذوالفقار» یاد می شود. این پسر که شخصیت منفی داستان است فردی مذهبی است. او با وعده رفتن به تفریح قصد فریب پری را دارد: «شباش می ریم تفریح / ... / اونقده خوش می گذره» دلیل فریب کاری او ترس از گناه و صواب است: «اما علی ذوالفقار / بچه صحرا و مار / با منطق دهاتیش / باهوش تیز خاکیش / فهمید تو این زموئه / عصر خرید و چونه / دنیای و غوغ صاحب / ترس و گناه و صواب / عشق قشنگ ماهیش / محکوم به مرگه از پیش» پری نیز بی وفایی او را ناشی از اعتقادات مذهبی اش می داند و به او نهیب می زند: «گفت عاشق کم نفس / یه پا جلو، دو پاپس / همش به فکر چاره / دعا و استخاره» او برای ترک کردن پری عید غدیر را بهانه می کند «پاشم برم که دیره / فردا عید غدیره» مادر پری دریا هم عیب زلفعلی را دینداری او می داند: «زلفعلی مال خاکه / ... / واساده رو زمینه / فکر نماز و دینه» نویسنده آنجا که می خواهد از شادابی دوباره پری و فراموش کردن اشتباهاتش به عنوان اخلاقی مثبت یاد کند می گوید «هنون حرف و دعا» این اتفاق می افتد. پیرمردی که با چهره ای منفی مجلس عیش پری و کاکل زری را به هم می زند نیز یک فرد مذهبی است و اعتقادات مذهبی او به مسخره گرفته می شود: «تا ز بخت بد همون وقت / یه پیر مرد سرسخت / آید یه پری بی حیا / ابرو کمون، چشم سیا / نشست با ناز و فر / با خنده و هروگر / تنگ دل زلفعلی / هوار کشید یاعلی / یه آدمه که دم داره / یه ماهیه که سم داره / دس نزنین نجاسته / درد و بلا آفته» همچنین یکی از احکام فقهی اسلام مورد تمسخر قرار می گیرد: «اسم تنعام زیورگنا / صیغه شده به کدخدا» او حضرت یونس یکی از پیامبران الهی را مسخره می کند. «مثل جناب یونس لپی کس و کار و مونس». او در چند جای داستانش با همسان قرار دادن مقدسات الهی و تشبیهات زشت به تحقیر این مقدسات می کوشد و مثلاً قسم

به خدا و قسم به یک قاطر را کنار هم و همشان قرار می دهد: «خداخودش می دونه / به مرگ این قاطرم» و یا «جون تنعام به قرآن» او همین شیوه را درباره مناسک دینی به کار می گیرد: «رقص کنون، سینه زنون» و یا «رقص کنون، دس به دعا» مطابق نظر نویسنده انسانهای مذهبی حتی به زن برادر خود نظر سوء دارند. کاکل زری برای منصرف ساختن پری از ازدواج با خود می گوید: «داداش غلام بی کاره / قلچاقچی سیگاره / میندازدت به قلاب / لمی خوردت مثل آب / ... / قورتت می ده درسته / مثل هلو یا هسته» آخرین ابتکار خانم ترقی تصریح ایشان به روی دادن آن اتفاقات و چنین حال و هوایی در زمان حاضر و در دوران انقلاب اسلامی است، چرا که سینمایی که پری با آرزوی آن از خانه فرار می کند مطابق نقاشی نویسنده «سینما انقلاب» نام دارد.

تکمله

افراد جامعه با هم تفاوت های زیادی دارند و هر کدام با توجه به سابقه، میزان سلامت روانی، اعتقادات و دیدگاه های سیاسی اجتماعی و تربیتی می توانند به خلق آثار متناسب با روحیه خود بپردازند. اما عقل سلیم حکم می کند که مطابق یک عقل جمعی و به شیوه ای معقول و مردم سالارانه، عموم آحاد هر جامعه به طور مستقیم و غیر مستقیم، قوانین، ضوابط و چهار چوب هایی برای آثاری که نشر عمومی می یابند تعریف و قرار داد کنند تا مانع برهم زدن نظم و امنیت جامعه و آسیب دیدن حریم عمومی

و حقوق و آزادی های سایر افراد شوند. این نظام ها هر چهار چوب قوه مقننه (قانون گذاری)، قوه قضاییه (نظارت بر قانون و مجازات متخلفین) و قوه مجریه (طراح راهکارهای اجرایی و مجری آن سیاستها) عملی است. همچنین نهادهای مدنی و مردمی همچون مطبوعات و انجمن های مردمی و تخصصی همچون انجمن حمایت از حقوق کودکان، انجمن های نویسندگان، انجمن های اولیا و مربیان و ... می توانند به عنوان ناظرانی آگاه بر حفظ حرمتها و چهار چوبها و تامین سلامت و امنیت معنوی کودکان نظارت کنند و مانع نشر کتابهایی شوند که با باورها و مقدسات عمومی یک جامعه در تعارض است و یا آینده کودکان معصوم میهنمان را تهدید می کند. نگارش کتابهای این چنینی، کاری سخت هترمندانه و تکرارناشدنی نیست. مهم پیش بینی راهکارهایی منطقی، قانونی و تعریف شده برای جلوگیری از چنین اقدامات غیرمسئولانه ای است. نمی دانم چرا با خواندن کتاب خانم ترقی به یاد ایرج میرزا افتادم. او گرچه پیشگام و سرآمد ادبیات اروتیک معاصر بود و گرچه از دشمنی با دین و اعتقادات دینی کوتاهی نمی کرد، اما آنجا که با کودکان سر و کارش می افتاد جز از ادب، اخلاق و میهن دوستی، نظم و تدبیر و احترام صحبتی نداشت. اما در مورد خالق «هی تا» پس از ۳۵ سال کار ادبی و در سالمندی خواندن چنین کتابی جای شگفتی دارد. □

توضیح: ۱. کلیه استنادات به قوانین سایر کشورها با استفاده از مقاله «نظام حقوقی نشریات ویژه کودکان و نوجوانان» نوشته سرکار خانم دکتر رویا معتمد نژاد در «سالنامه مطبوعات کودکان و نوجوان» شماره ۲ و ۳ صورت گرفته است.
۲. «هی تا» فیلمی که بر اساس فیلمنامه ای نوشته گلی ترقی، همسرش هژیر داریوش در سال ۱۳۵۱ ساخت و اثری پیشتاز و شاعرانه در ذممت روشنفکران بود.
گلی ترقی متولد ۱۳۱۸ در تهران است. قصه نویسی را از سال ۴۴ آغاز کرد. «هن چه هم گوارا هستیم» و «خواب زمستانی» مهمترین داستانهای اوست. پدر اولطف اله ترقی (مدیر مجله ترقی و نماینده مجلس حکومت پهلوی) قصه های فراوانی نوشت که از نظر ادبی کم ارزش و موضوع اصلی آن مسائل شهوانی بود. گلی ترقی که استاد دانشگاه بود و دستی نیز به ترجمه داشت پس از انقلاب اسلامی در پاریس ساکن شد. (منبع فرهنگ داستان نویسان ایران - حسن عابدینی)



برگ اشتراک ماهنامه کودک و نوجوان
مجموعه ماهنامه های کتاب ماه

مشخصات مشترک:

نام / شرکت / مؤسسه:
 شماره شناسنامه - شماره ثبت: میزان تحصیلات:
 نشانی و شماره پستی:
 تلفن و دورنگار:
 مدت اشتراک: ۱ سال (۱۲ شماره)
 هزینه اشتراک:
 ۱- داخل کشور:
 با هزینه پستی: تهران ۲۱۰۰۰ ریال شهرستانها: ۲۳۰۰۰ ریال
 ۲- خارج از کشور:
 الف: خاورمیانه - کشورهای همسایه
 ب: اروپا - آمریکای شمالی
 ج: اقیانوسیه - خاور دور - آمریکای جنوبی

(لطفاً در این قسمت چیزی ننویسید)

شماره اشتراک: تاریخ دریافت درخواست:
 شماره شروع اشتراک: شماره پایان اشتراک: